

پیکری  
حادثه

## گزارش میدانی «هم میهن» از معدن زغال سنگ مهماندویه دامغان که دوروز پیش ۷ کشته به جا گذاشت

# دستگاه تهویه نبود، کارگران مردند

بررسی های «هم میهن» نشان می دهد، کمبود اکسیژن دلیل مرگ کارکنان معدن بوده  
نه آنطور که مسئولان می گویند، تجمع گاز متان



۴۰ کیلو خاک هرمز  
در چمدان مسافر

صداقت سالارحسینی، فرمانده یگان حفاظت بندر شهید باهر و شرق استان هرمزگان، از کشف بیش از ۴۰ کیلوگرم خاک و سنگ جزیره هرمز توسط مأموران این یگان در بندر شهید فاطمه نیک خبر داد. به گزارش ایسنا، او در این باره گفت: «باتوجه به ممنوعیت برداشت خاک و سایر اجزای طبیعت جزیره هرمز، مأموران یگان حفاظت بندر شهید فاطمه نیک، نسبت به این مسئله با جدیت و حساسیت بیشتری برخورد می کنند.» او گفت: «مأمورین یگان حفاظت بندر شهید فاطمه نیک جزیره هرمز، صبح روز سه شنبه حین انجام وظیفه، با هوشیاری و دقت در بررسی مسافران ورودی و خروجی بیش از ۴۰ کیلوگرم سنگ و خاک جزیره از یک فرد با هویت مشخص کشف کرده اند.» سالارحسینی گفت که خاکها و سنگهای کشف شده در دو کیسه بزرگ کشف و از خروج آنها جلوگیری شده است.



قتل عام مارها

یک متخصص حیات وحش با اشاره به اینکه نام گذاری سال ها به نام حیوانات، فرصت مناسبی را در سال ۱۴۰۴ برای تاکید بر اهمیت فرهنگی و زیست محیطی مارها فراهم کرده است، گفته که اگر چه از نظر نمادین، مارها به عنوان نماد شفا شناخته می شوند اما در عمل، بر خورد انسان با مارها متفاوت است چرا که ترس از این مارهای سمی موجب ترس از سایر مارها نیز شده است. این امر باعث می شود، مارها در معرض خطر قتل عام ناشی از تصور اشتباه از مارهای سمی قرار بگیرند. به گزارش ایسنا، اصغر مبارکی ادامه داد: «در ایران نیز نزدیک به ۱۰۰ گونه مار وجود دارد که در ۴۱ جنس و هشت خانواده طبقه بندی می شوند. پراکندگی این مارها تابع شرایط جغرافیایی ایران است. از میان این هشت خانواده، خانواده افی ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در ایران ۱۰ تا ۱۶ گونه افی وجود دارد که قتل ما نسبت به ۷۰ تا ۹۵ گونه دیگر از مارها تحت تاثیر برداشت و ترس ما از این خانواده قرار دارد. همچنین خانواده کبری ها نیز در ایران یافت می شوند.»



تعداد دانشی آموزان کارنامه قرمز

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش آمار تعطیلی های دبستانی هایی را که در کارنامه شان «نیازمند به تلاش بیشتر» درج شده، اعلام کرد. تاکنون ۶۲۳ هزار دانش آموز نیازمند به تلاش بیشتر در کشور شناسایی شده اند. این راضوان حکیم زاده معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش می گوید و از اجرای طرح رایگان حامی برای این محصلان خبر می دهد. آموزش و پرورش در دوران کرونا برای کمک به به تلاش بیشتر، که به معنی نمره ۱۰ و کمتر از آن است را کسب کرده اند، در دوره آموزشی شرکت می کنند. این دوره ها تا پایان سال تحصیلی توسط مدیران مدارس با کمک ظرفیت های مردمی مثل دانشجویان و بسیج دانشجویی برگزار می شود.



سارا سبزی

خبرنگار گروه جامعه

رديف ماشين های پلاک قرمز و سبزی از پیچ های تند منتهی به روستای مهماندویه، در حال برگشت به سمت دامغان اند. راننده تاکسی این تصاویر را خوب به یاد می آورد؛ وقتی که راننده نیشان یکی از معدن های همین اطراف بود و صدای انفجار معدن در دل کوه پیچید. بعد از آن، شش کارگر معدن طرز در انفجار معدن زغال سنگ جان سپرده بودند. «یکی، دو تا که نبود، چندان بود. این آخری را کمی سفت و سخت تر گرفتند، از استان آمدند، از تهران آمدند. در مهماندویه قبلاً از این اتفاق هانفتاده بود. همان روزها هم ماشين های دولتی، آمبولانس ها و هال احمر- مثل همین دوروز- با هر بار حادثه به خط می شدند و از سینه کش کوه بالا می رفتند. حالا یک خاطره دیگر به حافظه اهالی روستاهای اطراف معدن زغال سنگ دامغان اضافه می شود: تصویری از مرگ هفت نفر دیگر در تونل معدن زغال سنگ مهماندویه، هفت نفر که صبح ۱۹ فروردین ماه وارد تونل آن معدن کوچک، جا خوش کرده در دل کوه شدند و دیگر برنگشتند.

عصر روز بعد از حادثه است. رفت و آمدها در جاده های تند آن منطقه کوهستانی محصور بین تپه ها و معدن ها از همیشه بیشتر شده و دیگر خبر به گوش همه رسیده است که دوباره کارگرها جان داده اند. مابینه روز ۱۸ فروردین ماه ماشين های امدادی و آمبولانس ها برای بیرون کشیدن پیکر هفت کارگر و پیمانکار معدن مهماندویه، خودشان را رسانده بودند به بالای کوه. آقای صفری، ساکن روستای مهماندویه، از آژیر آمبولانس ها فهمیده بود که اتفاقی افتاده است، خبری از صدای انفجار نبود، او انگار رفت و برگشت ماشين ها را به داخل معدن شمرده بود. «۴۰-۳۰ تا بودند که از معدن برمی گشتند.» همان هایی که صبح سه شنبه برای «بررسی دلایل حادثه» به معدن رفتند، اما امدادگرها و معدنچی های باتجربه تر پیش از رسیدن آنها چیزهای بیشتری فهمیده و می دانستند اکسیژن آنقدر در تونل کم بوده که کارگر و پیمانکار جان را از دست داده است.

حالا همه اهالی روستاهای اطراف معدن های زغال سنگ دامغان با تشریفات بعد از مرگ کارگرها در دل تونل های معدن آشنا شده اند و می دانند چرا هر بار دستورهای پشت سر هم صادر می شود و آدمها قطار خودشان را می رسانند، اما باز هم کارگرها نفس کم می آورند یا زیر آوار زغال سنگ می میرند. آنها می پرسند چرا قبل

از آن که کسی در آن معدن کوچک خصوصی زغال سنگ جان دهد و پیکرهایشان روی هم بیفتد، کسی به آنجا سر نزده بود؟

معدن مهماندویه، چند کیلومتر بالاتر از طرز و معدن های خصوصی دیگر ایستاده است؛ معدن زغال سنگی کوچک با تعداد کارگرانی کمتر از معدن مادر و چهار تونل که از سه تونل آن برداشت می شد و فقط از تونلی که در آن حادثه رخ داد، برداشت انجام نمی شد. مهماندویه آخرین روستای مسیری است که به معدن «جواهر زغال» می رسد و بعد از آن چند پیچ دیگر باید پشت سر بگذرانند تا آن معدن در دل کوه پیدا شود؛ معدنی که فعالیتش از نیمه دوم سال گذشته به دلیل سرمای هوا تعطیل شد و قرار بود بهار دوباره کارش را شروع کند. منطقه برف گیر و سخت مسیر است و در بهار، پاییز و زمستان از دل کوه زغال سنگ برداشت می شود. در شش، هفت سالی که کار این معدن خصوصی آغاز شده، اتفاق مشابه دیگری در یاد اهالی منطقه نمانده است.

با هر بارش برف، فعالیت معدن هم متوقف می شود، اما این بار قبل از آن که فکری برای تهیه آن کنند، کارگرها داخل تونل می روند. آنطور که کارگرهای دیگر شنیده اند، اول پیمانکار (احمد شکاری) و خواهرزاده اش (سعید حسینی) همراه با سه کارگر افغانستانی (طلاح حسین ابراهیمی، مجتبی اکبری و علی ابراهیمی) وارد تونل می شوند، بعد که خبری از آنها نمی رسد، دو کارگر دیگر (مهدی و هانی گیلکی) با خودنجات هایشان وارد تونل می شوند و دیگر بر نمی گردند. بی خبری از این هفت نفر که ادامه پیدا می کند، یکی از کارگرها با هلال احمر، اورژانس، امداد و نجات البرز شرقی تماس می گیرد. اولین تیم امداد و نجات از مجموعه البرز شرقی به معدن می رسد و بعد یک تیم دیگر با دستگاه های پشتیبانی بیشتر، مثل ونتیلاتورهای بادی وارد محل می شود. کم کم هلال احمر، اورژانس، نیروی انتظامی، نماینده دادستان و اداره کار هم می رسند و نیروهای امدادی داخل آن تونل طولانی می شوند و از شیب تندش پایین می روند تا برانکارها را از مسیری ۴۰ متری و بعد یک شیب ۴۵ درجه ای شش، هفت متری روبه پایین، عبور دهند و جنازه ها را تک به تک روی آن بگذارند و بالا بکشند. نیروهای ایمنی می گویند، برای فعالیت دوباره یک معدن که مدت ها تعطیل بوده، تهیه هوا حیاتی است؛ مثل اکسیژن برای زنده ماندن. «اینکه پیمانکار بدون اجازه با خودنجات پایین رفته است، اشتباه بزرگی بوده و به قیمت جانش تمام شده است. این اتفاق هم به دلیل نشت گاز نبود، مربوط به کمبود اکسیژن ناشی از متوقف بودن فعالیت معدن بود. معدن مجهز به ونتیلاتور برقی بوده، اما راه آن را اول عید، ژنراتور برقی آن را می برند و ونتیلاتور برقی هم روشن نمی شود. احتمالاً می خواستند از دیدبشت یا خردا ماه

محمدیان، یکی از  
نیروهای امداد و نجات  
مجموعه البرز شرقی:  
«بیشتر مشکلاتی  
که ما در معدن  
با آن دست و پنجه  
نرم می کنیم مربوط  
به گاز متان است  
که در معدن بی بو  
است، اما پایین  
آمدن شدید اکسیژن  
به ندرت اتفاق  
می افتد. در مسیری  
که این هفت نفر  
رفته بودند، اکسیژنی  
وجود نداشت، آنها  
حتی خودنجات هم  
داشتند.»

آن را دوباره فعال کنند.» این آقای محمدیان، یکی از نیروهای امداد و نجات مجموعه البرز شرقی تعریف می کند، از زمانی که با خودنجات برای بالا کشیدن پیکرها داخل تونلی می رود که هر چه عمق اش بیشتر می شود، سطح اکسیژن آن هم کم و کمتر می شود. درصد اکسیژن مسیری که او با خودنجات رفت، بسیار پایین بود، بسیار کمتر از ۱۰ درصد. اکسیژن محیط اگر به ۱۲ تا ۱۶ درصد برسد، حالت تهوع و استفراغ آغاز می شود و فقط ۲۰ تا ۴۰ دقیقه فرصت برای زنده ماندن باقی می ماند. هر چه این درصد کمتر شود، زندگی هم دورتر می شود. درصد اکسیژن به کمتر از ۱۰ درصد که برسد، ضربان قلب کند می شود، منقبض می شود و نفس از سینه بالا نمی آید. همان طور که مهدی و هانی گیلکی، سعید حسینی، مرتضی یا احمد شکاری، طلاح حسین ابراهیمی، مجتبی اکبری و علی ابراهیمی دیگر نفس نکشیدند.

برای شروع به کار دوباره معدن بعد از یک وقفه طولانی، ونتیلاتورها باید اکسیژن را با لوله های برزنتی به سطح های پایین تر برسانند. «بیشتر مشکلاتی که ما در معدن با آن دست و پنجه نرم می کنیم مربوط به گاز متان است که در معدن بی بو است، اما پایین آمدن شدید اکسیژن به ندرت اتفاق می افتد. در مسیری که این هفت نفر رفته بودند، اکسیژنی وجود نداشت، آنها حتی خودنجات هم نداشتند.» سه نفر اولی که قبل از همه وارد تونل شدند و برگشتند، خودنجات داشتند. یکی از این خودنجات ها باز شد اما فعال نشد، دوتای دیگر اصلاً باز نشده بود. این را محمدیان تعریف می کند. «آنها بی که از خودنجات استفاده نکرده بودند، فرصت باز کردن آن را هم نداشتند. وقتی با کپسول اکسیژن پایین رفتیم، درصد اکسیژن ۱۲ بود اما پایین تر از آن، این عدد کمتر هم می شد.»

شیب انتهایی تونل تند است و بالا آوردن پیکرها را سخت می کند: «یک برانکار در چند نفری با طناب بالا می کشیدیم. بعد از تامین اکسیژن، پایین رفتیم و متوجه شدیم آنها بی که وارد تونل شدند، همان لحظه فوت کرده اند. کاری که بخش ایمنی معدن باید قبل از باز کردن دوباره آن انجام می داد، رساندن تهویه بود.» معدن مهماندویه بعد از حادثه ۲۸ فروردین ماه امسال به دستور دادستان تعطیل شده و قرار است تا دو هفته آینده دلیل مرگ هفت کارگر آن مشخص شود. استاندار سمنان، همان روز حادثه گفته بود: «این معدن مجوز فعالیت دارد و خطای فردی و اشتباه محاسباتی، علت وقوع اولیه حادثه بوده و ورود کارگران به داخل تونل متروکه معدن مهماندویه برای بررسی چگونگی راهکارهای از سرگیری فعالیت این تونل بوده است. تجهیزاتی شامل کپسول اکسیژن هم همراه کارگران محبوس شده بوده است.»